



The Position of Ahl al-Bayt (A.S) in “The Contemporary Interpretation of the Holy Quran” [= “The Study Quran”]*

Zeinab Tayyebi^۱

Abstract

The Quran and Sunnah are the most precious celestial assets that have given us the divine words and messages in order to lead our caravan to the desired perfection and to prepare us to face the truth. A correct and complete understanding of the teachings of the Quran requires the tradition of the Prophet and the Ahl al-Bayt (A.S). The interpretive narrations of the Ahl al-Bayt (A.S), which are equal to the Divine Messenger's words in explaining the verses of revelation and are the ground for considering all its meanings from the Divine Messenger of God for the Leading Commentator, Ali (A.S) and the educated of the school of revelation have been focused by the of Islamic thinkers and commentators. “The Contemporary Interpretation of the Holy Quran” [= “The Study Quran”] is one of the works on behalf of Traditionalism [=Perennial Philosophy] which, according to Seyyed Hossein Nasr, has not been compiled based on of the Western Orientalists or Westernized intellectuals' researches. Unlike other Orientalists' works, it is based on the understanding and perception of the interpretation of revelatory verses in the text of intellectual tradition and Muslims' spirituality. This research with descriptive-analytical research method and referring to the written religious sources and interpretations of the two major sects, seeks to investigate how this interpretation interacts with the position of the Ahl al-Bayt (A.S) and usage of their comprehensive interpretive narrations in order to understand and percept the meanings of revelation. The findings of the research indicate that the narrations of the two major sects have been neglected in expressing the virtues of the Ahl al-Bayt (A.S) in the interpretation of some verses, and the interpretive hadiths of the Ahl al-Bayt (A.S) have not been used as much as the narrations of other Companions and Followers [Tabi'een] and achieving “The Contemporary Interpretation of the Holy Quran” [= “The Study Quran”] the teachings of revelation is facing with lack as these some parts teachings which are the mirror of the divine manifestation are located only in the pure heart of the infallible ones and are manifested in their words and conducts.

Keywords: Ahl al-Bayt's (A.S) Virtues, Ahl al-Bayt's (A.S) Interpretive Narrations, “The Contemporary Interpretation of the Holy Quran” [= “The Study Quran”], Traditionalism.

*. Date of receiving: ۰۵, April, ۲۰۲۱, Date of approval: ۲۰, June, ۲۰۲۱

^۱. Member of staff and Assistant professor Quranic studies and hadith of Farhangiyan Qom University.,
ztayyebi۶۲@gmail.com



جایگاه اهل بیت علیهم السلام در تفسیر معاصرانه قرآن کریم^۱

زینب طیّبی^۲

چکیده

قرآن و سنت، گرانسنگ‌ترین سرمایه‌های آسمانی‌اند که گفتارها و پیام‌های خداوند برای رساندن کاروان بشری به کمال مطلوب و آماده شدن برای ملاقات حق را در اختیار ما گذاشته‌اند. لازمه درک درست و کامل معارف قرآن کریم، سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام است. روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام که هم‌پایه سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در تبیین آیات وحی هستند و زمینه تلقی همه معانی آن از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای صدرالمفسرین علی علیه السلام و تربیت یافتگان مکتب وحی فراهم بوده است، مورد توجه اندیشمندان و مفسران اسلامی بوده است. تفسیر معاصرانه قرآن کریم از جمله آثار سنت‌گرایی است که به گفته سید حسین نصر، بر مبنای تحقیقات مستشرقان غربی یا روشنفکران غرب‌زده نگارش نیافته است؛ و برخلاف دیگر آثار مستشرقان، درک و دریافت تفسیر آیات وحی در متن سنت فکری و معنوی مسلمانان را مبنا قرار داده است. این جستار با روش توصیفی - تحلیلی و مراجعه به منابع مکتوب دینی و تفاسیر فریقین، درصدد بررسی نحوه تعامل جلد نخست ترجمه این تفسیر با جایگاه اهل بیت علیهم السلام و بهره‌گیری از روایات گسترده تفسیری ایشان در فهم و دریافت معانی آیات وحی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد: روایات فریقین در بیان فضایل اهل بیت علیهم السلام در تفسیر برخی آیات مغفول مانده و از احادیث تفسیری اهل بیت علیهم السلام در حد روایات سایر صحابه و تابعین استفاده نشده است و دستیابی تفسیر معاصرانه قرآن کریم به معارف وحی که بخشی از این آینه تجلی حق، تنها در قلب پاک معصومین علیهم السلام جای گرفته و در گفتار و کردارشان بروز یافته، با کاستی مواجه است.

واژگان کلیدی: فضایل اهل بیت علیهم السلام، روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، سنت‌گرایی.

^۱ - تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱/۱۶؛ تاریخ تایید مقاله: ۱۴۰۰/۴/۴.

^۲ - استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه فرهنگیان قم - ztayyebi62@gmail.com

مقدمه

قرآن کریم کامل‌ترین و جامع‌ترین نسخه شفابخش و هدایت‌گر بشر است که از جانب خداوند عزیز و حکیم نازل شده است (فصلت/۲؛ اسراء/۹). فهم کامل معانی، معارف، علوم و احکام این کتاب هدایت‌کننده از جهت ظهور و خفای دلالت آیات بر آن‌ها و آسانی و دشواری فهم آن‌ها از الفاظ و عبارات، سطح‌ها و مرتبه‌های گوناگون دارد، ویژه پیامبر ﷺ و اوصیای گران‌قدر ایشان است.

قرآن کریم، پیامی نو و معارفی جاودان از سوی خداوند متعال است که به زبان شیوای عربی بر پیامبر خدا ﷺ وحی شد. از این‌رو، مورد تصدیق شیعه و اهل سنت است که رسول خدا ﷺ افزون بر تلاوت و ابلاغ، به تعلیم معانی و بیان مقاصد آیات نیز پرداخته است (معرفت، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، ۱۴۱۸: ۱۸۰/۱؛ سیوطی، الإیتقان فی علوم القرآن، ۱۴۰۷: ۱۸۱/۴). از امام باقر ع روایت شده است: «هیچ‌کس جز اوصیا نمی‌تواند ادعا کند همه قرآن، ظاهر و باطن آن نزد اوست» (کلینی، اصول الکافی، ۱۳۸۸: ۲۸۶/۱).

بنا بر آیات وحی، سخن رسول خدا ﷺ در شرح کلام‌الله مجید حجت است (نحل/۴۴)؛ و این حجیت به مشابهات و یا اسرار کلام‌الله و تأویلات آن‌ها اختصاص ندارد (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۰: ۲۶۱/۱۲). از منظر اعتقادی شیعه، سنت عترت پیامبر ﷺ، عدل قرآن و دارای اعتباری هم‌پایه سنت نبوی است و این اعتقاد برخاسته از رهنمودهای قرآن کریم و رسول خدا ﷺ است (ر.ک: حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ۱۴۱۱: ۱۰۹/۳). بر پایه قرآن کریم و روایات معصومین ع، مرتبه‌ای از معانی و معارف قرآن، با تدبر و تفسیر و تلاش علمی، برای غیر پیامبر ﷺ و امامان معصومین ع نیز قابل فهم و دستیابی است (ص/۲۹؛ محمد/۲۴). از امام علی ع نقل شده است که فرمود: «و قرآن را بیاموزید که آن نیکوترین سخن است و در آن تفقه کنید که آن بهار دل‌ها است» (شریف رضی، نهج البلاغه، ۱۳۷۹: خطبه/۱۰۹). بدون تردید، فهم کامل کتاب خدا حاجتمند بهره‌گیری از سنت پیامبر ﷺ و اوصیای ایشان است (ر.ک: حر عاملی، وسایل الشیعة الی تحصیل مسایل الشریعة، ۱۴۰۹: ۱۴۳/۸).

اهتمام مستشرقان به دانش تفسیر زاینده قرن بیستم میلادی است و پیش‌ازین پژوهشی در این مسئله از طرف آنان ارائه نشده است. از مشهورترین پژوهش‌های تألیفی مستشرقان در زمینه تفسیر، کتاب ایگناس گلدزیهر (۱۹۲۱ م) با عنوان «گرایش‌های تفسیری» در میان مسلمانان است که دو بار با عنوان «مذاهب التفسیر الاسلامی» به عربی ترجمه شده است. پس از گلدزیهر، مستشرق فرانسوی



بلاشر (۱۹۷۳ م) در زمینه تفسیر قرآن که مجموعه مباحثی است که وی در ضمن جزء دوم «تاریخ الادب العربی» نوشته است و نخستین بار ترجمه عربی آن در سال ۱۹۷۲ م منتشر شد، مورد توجه خاورشناسان قرار گرفته است. از دیگر آثار مستقل در این حوزه، تفسیر قرآن مستشرق هلندی ج. بالجون (۱۹۶۱ م) است (ر.ک: هرماس، دانش تفسیر در نگاه‌های مستشرقان، شماره ۱۰۴، خرداد و تیر ۱۳۸۶).

برخلاف آثار گذشته مستشرقان که تفسیر نگاه‌شده توسط آنان مجموعه‌ای تأثیر پذیرفته از مشخصه‌هایی مانند گزینشی بودن نوشته‌های تفسیر، شخصی بودن و تأثیرپذیری از اعتقادات فردی، سطحی‌نگری، فقدان عمق علمی - شناختی مطالعات مستشرقان و اهمال و سستی در مراجعه به منابع اصیل عربی و روایات معتبر اسلامی است (ر.ک: نوبری، روش‌شناسی مستشرقان در تفسیر قرآن و بررسی سنت، شماره ۸، ۱۳۸۹)، اثر سید حسین نصر و شاگردان مسلمان آمریکایی او (ر.ک: نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۶۷/۱) که اخیراً با عنوان «تفسیر معاصرانه قرآن کریم» به زبان فارسی ترجمه شده است، نخستین تفسیر مستقل قرآن کریم است که برخلاف رویکرد مستشرقان در نفی آثار تفسیری مسلمانان از جمله اتهامات ایشان به تفسیر طبری (ر.ک: هرماس، دانش تفسیر در نگاه‌های مستشرقان، شماره ۱۰۴، خرداد و تیر ۱۳۸۶)، بر آن است تا با بهره‌گیری از تفاسیر مفسران نخستین، روش تفسیر قرآن به قرآن و رویکرد عرفانی و سنت‌گرا در تفسیر آیات وحی، - در انتقال پیام الهی و تبیین فضای فکری مفسران گذشته و زدودن این تصور که مسلمانان فهم متعصبانه و کورکورانه‌ای از متن قرآن داشته‌اند (ر.ک: نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۷۵)، بکوشد و منبعی برای کسانی باشد که به شناخت قرآن کریم در کلیت آن و یا مضمونی خاص اهتمام دارند (ر.ک: همان: ۷۷).

از آنجاکه تفسیر اهل بیت علیهم‌السلام، هم‌پایه سخن رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در تبیین آیات وحی است (ر.ک: مفید، الإرشاد، ۱۳۷۷: ۲۳۳)؛ و زمینه تلقی همه معانی قرآن از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای امام علی علیه‌السلام فراهم بوده است (شریف رضی، نهج البلاغه، ۱۳۷۹: خطبه/۱)؛ و بنا بر روایات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، آن حضرت و فرزندان حجت‌های خدا بر مردم و درهای علم در امت پیامبرند (حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ۷۶/۱۱۴۱۱)، جستار حاضر می‌کوشد تا در نخستین اثر فارسی، با روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و با روش اسنادی و بهره‌گیری از آیات قرآن کریم و مراجعه به منابع مکتوب دینی و تفاسیر، به پاسخ این پرسش دست یابد که اهل بیت علیهم‌السلام و روایات تفسیری ایشان در جلد نخست تفسیر معاصرانه

قرآن کریم چه جایگاهی دارند و بیانات ایشان چه تأثیری بر این تفسیر گذاشته است؟ میزان روایات انمه علیه السلام در جلد اول تفسیر معاصرانه قرآن کریم چگونه است و آیا سید حسین نصر و ویراستاران «قرآن‌شناخت»، برای اهل بیت علیهم السلام و تفسیر ایشان جایگاهی قائل‌اند؟ فرض مسئله آن است که با وجود تلاش ویراستاران برای نگارش اثری مبتنی بر سنت اسلامی کلاسیک برای آشنایی خوانندگان با شیوه‌های مختلف فهم و تفسیر قرآن از جانب مسلمانان، روایات فریقین در بیان فضایل اهل بیت علیهم السلام در تفسیر برخی آیات مورد بی‌توجهی است و از روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام در حد روایات سایر صحابه و تابعین استفاده نشده است.

۱. شناخت نامه تفسیر معاصرانه قرآن کریم

(The Study Quran) که معادل فارسی آن «قرآن‌شناخت» یا «قرآن مطالعه» است، عنوان اصلی تفسیر معاصرانه قرآن کریم است که برخلاف دیگر آثار مستشرقان، ضمن باورمندی به قدسی بودن و وحیانی بودن قرآن (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن‌شناخت، ۱۳۹۹: ۳۶/۱)، درک و دریافت تفسیر قرآن در متن سنت فکری و معنوی مسلمانان را کانون توجه قرار داده است (همان). زبان اصلی این اثر انگلیسی است و در هشت جلد به علاوه جلد دیگری که به جستارهای «پیوست» اختصاص دارد، انتشار خواهد یافت.

سر ویراستار تفسیر، سید حسین نصر، زاده ۱۳۱۲ ش، استاد مطالعات اسلامی دانشگاه جورج واشنگتن آمریکاست. وی به‌عنوان فیلسوفی سنت‌گرا شناخته می‌شود که در کشورهای مختلف به ایراد سخن می‌پردازد و قریب ۵۰ کتاب و ۴۰۰ مقاله به زبان فارسی، انگلیسی، فرانسه و عربی نگاشته است. تعداد قابل توجهی از آثار وی به فارسی ترجمه شده و برخی از آن‌ها مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته است (ارجینی، تأملاتی در زندگی و اندیشه‌های سید حسین نصر، ۱۳۸۷).

به گفته نصر، شروع نگارش این تفسیر حدود نه سال پیش و با درخواست انتشارات هارپر سانفرانسیسکو^(۱) (اینک، هارپر وان^(۲)) بوده است که از نصر می‌خواهد، سر ویراستار اثری گردد که «The Study Quran» نامیده خواهد شد و مکمل The HarperCollins Study Bible، که این اثر در آن موقع انتشار یافته بود، باشد (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۶۶/۱). نویسنده نیز چهار ویراستار را از میان شاگردانش به نام‌های جانر دگلی، ماریا دکاکه، جوزف لومبارد و محمد رُستُم که همه در زمینه مطالعات اسلامی از دانشگاه‌های مهم آمریکا مدرک دکترا گرفته‌اند و با علوم اسلامی سنتی آشنا و



مسلط به زبان عربی کلاسیک‌اند، برگزیده است (همان: ۶۷).

در این اثر، از حدود ۳۴ تفسیر اهل سنت مانند آلوسی، ابن جوزی، ابن عجبیه، ابن کثیر، فخر رازی، ثعالبی، زمخشری، طبری، قرطبی، ماتریدی و هفت تفسیر شیعی المیزان فی تفسیر القرآن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، التبیان فی تفسیر القرآن، الصافی، تفسیر القرآن الکریم ملاصدرا و تفسیر قمی استفاده شده است. با وجود آنکه نصر تفسیر خود را مبتنی بر تفکر اسلامی سنتی و سنت‌های تفسیری متقدم‌تر معرفی می‌کند (ر.ک: همان: ۷۳)؛ این اثر از تفاسیر و منابع روایی متقدم شیعه در بیان آیات وحی، کم بهره است و با استفاده نکردن از روایات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام و آگاهان حقیقی به ظاهر و باطن کتاب خدا، گاه در ورطه تفسیر به رأی قرار گرفته است (ر.ک: همان: ۱۳۶، ۱۵۵، ۳۷۵). با وجود آنکه سید حسین نصر در بیان روش تفسیری خود در تفسیر معاصرانه قرآن کریم اهمال نموده است؛ اما می‌توان این اثر را مبتنی بر روش تفسیر قرآن به قرآن (همان: ۱۱۸) و عصاره‌ای از تفاسیر سنتی اهل سنت مانند طبری، فخر رازی، تفسیر ابن کثیر، ثعالبی و قرطبی با رویکردی عرفانی و تفسیر باطنی و معنوی آیات معرفی کرد (ر.ک: همان: ۲۱۷، ۲۲۴، ۲۴۲، ۳۱۶، ۳۵۵، ۴۰۷، ۴۴۴-۴۵۴، ۵۸۲، ۶۲۳، ۶۸۷۶۶۷)؛ چنانکه در اسلام سنتی وی نیز تصوف حضوری پررنگ دارد (ارجینی، تأملاتی در زندگی و اندیشه سید حسین نصر، ۱۳۸۷).

۲. فضایل اهل بیت علیهم‌السلام در تفسیر معاصرانه قرآن کریم

نصر در مقدمه تفسیر در بیان بهره‌گیری از دیدگاه‌ها و تفاسیر مفسران سنتی آورده است که آنان معمولاً مردانی بسیار صاحب فضل بوده‌اند که نه فقط نسبت به قرآن کریم که به رشته‌های مختلف علوم منقول و معقول در اسلام، شناخت عمیقی داشته‌اند؛ بنابراین آثار آن‌ها معمولاً تصویر روشنی از صحنه فکری اسلامی زنده در روزگاران خودشان، به دست می‌دهند (ر.ک: نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۷۵/۱). وی می‌نویسد:

«ما در نگارش تفسیر خویش، البته علاوه بر آثاری که مخصوصاً به نام تفسیر شناخته می‌شوند، از همه این منابع بهره برده‌ایم؛ بسیاری از تفسیرها را مبنای کار خویش قرار داده‌ایم، بدون آنکه خواسته باشیم که کار ما جامع همه تفاسیر باشد. تفاسیری را برگزیده‌ایم که نه فقط معتبرترین و پرخواننده‌ترین و پذیرفته‌ترین تفاسیرند، بلکه علاوه بر این تفاسیری که تخصصی هستند و اطلاعات مهمی در آن‌ها آمده است که همیشه در تفاسیر پرخواننده‌تر در دسترس نیست. در صورت لزوم از منابع سیره و منابع

حدیثی سنتی و شیعی نیز بهره برده‌ایم» (همان: ۷۴).

این ادعا در حالی است که تفسیر معاصرانه قرآن کریم، از منابع روایی و تفاسیر متقدم و متأخر شیعه بهره‌ای اندک دارد و تنها در مواردی محدود به دیدگاه مفسرانی چون طبرسی (همان: ۹۹، ۱۰۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۶، ۳۳۸، ۵۹۵)، طباطبایی (همان: ۱۰۷، ۱۰۱ و ۱۱۱)، فیض (همان: ۵۰۷)، طوسی (همان: ۱۱۴، ۲۷۱) و قمی (همان: ۱۱۴) استناد شده است. این تفسیر از دریای بی‌کران روایات اهل-بیت علیهم‌السلام و بیان فضایل و کرامات امام علی علیه‌السلام و خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام کم‌بهره است و تفسیری غیر جامع و سطحی را فراروی خوانندگان قرار داده است.

نویسنده در مقدمه ادعا کرده است: «تفسیر ما درعین حال که بر تفاسیر سنتی مبتنی است، صرفاً مجموعه‌ای از گزیده‌های اقتباس شده از کتاب‌ها نیست، بلکه خود اثر نوینی است» (همان: ۷۵)؛ اما کاوش در بخش‌های مختلف آن نشان می‌دهد که صرف‌نظر از برخی تحلیل‌های مفسر (ر.ک: همان: ۵۷۸)، تفسیر معاصرانه قرآن کریم گزینشی از تفاسیری چون فخر رازی، ابن‌کثیر، طبری، ثعالبی، قرطبی و تفاسیر عرفانی مانند ابن‌عجیبه و ابن‌عربی است. در این تفسیر، نه تنها فضایل و مقامات گسترده اهل‌بیت علیهم‌السلام بر مبنای تفاسیر سنتی موردادعا بیان نشده است که از سایر منابع سنتی اهل‌سنت در بیان فضایل علیهم‌السلام و اخبار سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام مانند تفسیر روایی «شواهد التنزیل لقواعد التفضیل» حاکم حسکانی (م ۴۷۰ یا ۴۹۰ ق) که در منابع رجالی اهل سنت (ر.ک: ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ۱۴۱۳: ۲۶۸/۱۸-۲۶۹) تکریم و تعظیم شده است، بی‌بهره است. در «شواهد التنزیل لقواعد التفضیل»، به دفاع از شأن و منزلت اهل‌بیت علیهم‌السلام از طریق روایات تفسیری و شواهد قرآنی و روایی پرداخته شده است و نویسنده کوشش کرده است، با جمع‌آوری آیات قرآنی و روایات نبوی که در شأن علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام آمده است، شخصیت علمی و مجاهدت‌های فرهنگی و فضایل بی‌شمار آن حضرت و اهل‌بیت علیهم‌السلام موردشک و تردید نسل‌های آینده قرار نگیرد و از آگاهان به ظاهر و باطن قرآن کریم غفلت نشود (ر.ک: حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ۱۴۱۱: ۱۹/۱). این تفسیر منبعی مسند و معتبر برای مفسران بعدی شیعه (ر.ک: طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۶۰: ۱۹۶/۲۵ و ۵۲۸) و اهل سنت (ر.ک: سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ۱۴۰۴: ۲۹۸/۲) بوده است.

تفسیر معاصرانه قرآن کریم با وجود آنکه تفسیری سنت‌گرا و مبتنی بر آثار معتبر سلف معرفی شده است، از این دست منابع در بیان فضایل و کرامات اهل‌بیت علیهم‌السلام در شرح و تأویل آیات وحی استفاده



نکرده است. برای مثال، حسکانی آیه: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ (بقره/۸۲)؛ «و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کردند؛ آنان اهل بهشت‌اند و در آن جاودان خواهند ماند.» را از جمله آیاتی می‌داند که در شأن رسول خدا ﷺ، حضرت علی علیه السلام و اهل-بیت علیهم السلام نازل شده است. وی به روایتی از ابن عباس در شأن این آیه استناد کرده و می‌نویسد: «این آیه فقط برای علی علیه السلام نازل شده است؛ چون او نخستین مؤمن به رسول خدا ﷺ و اولین نمازگزار همراه ایشان بوده است» (حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ۱۴۱۱: ۱۱۷/۱).

در نمونه‌ای دیگر، با وجود آنکه تفسیر معاصرانه قرآن کریم در صدد بیان اقوال مختلف مفسران نخستین در ذیل آیات است، از بیان دیدگاه‌های مطرح شده درباره «کلمات» در آیه ﴿فَتَلَقَّى آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ (بقره/۳۷)؛ خودداری کرده است؛ آن گونه که طبری نیز به روایت فضایل اهل بیت علیهم السلام، در ذیل این آیه اشاره نکرده است (ر.ک: طبری، جامع البیان عن تأویل آی - القرآن، ۱۳۹۳: ۱۹۳/۱). در روایات تفسیری شیعه و اهل سنت آمده است که مراد از «کلمات» نام‌های محمد صلی الله علیه و آله و سلم، علی علیه السلام، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام است (ر.ک: شوستری، إحقاق الحق و ازهاق الباطل، ۱۴۳۷: ۷۶/۳).

در مجموع، سیری در تفسیر معاصرانه قرآن کریم نشان می‌دهد که بیان فضایل و جایگاه اهل-بیت علیهم السلام در جلد نخست این اثر، منحصر به موارد ذیل است.

یک. در مقدمه این کتاب منشأ علم جعفر به امام علی علیه السلام نسبت داده شده است و از آن حضرت با تعبیر علی بن ابی طالب علیه السلام، پسرعمو و داماد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که امام اول شیعیان و خلیفه چهارم ستیان شد، یاد می‌شود (ر.ک: نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۵۲/۱).

دو. استناد به بیان امام علی علیه السلام در تفسیر باطنی قرآن کریم با علم جعفر: «گفته پر رمز و رازی منسوب به امام علی علیه السلام وجود دارد که معنای آن را فقط با استفاده از این علم ناظر به شکل رمزی حروف الفبای عربی وقتی به خط عربی نوشته می‌شوند، می‌توان فهم کرد. از امام علی علیه السلام نقل است که "کل قرآن در سوره فاتحه جمع است، کل فاتحه در بسم الله الرحمن الرحیم [که در عربی با حرف باء شروع می‌شود]، کل بسم الله در حرف باء، کل باء در نقطه زیر باء و من آن نقطه-ام". امام علی علیه السلام در اینجا به حالت باطنی «هویت برتر» یا «وحدت برتر» خویش، به تحقق تام توحید [در خودش]، اشاره دارد» (همان: ۵۴).

مؤلف در تحلیل این کلام منسوب به حضرت، به اهمیت علم رمزپردازی در عربی قرآنی پرداخته

است. وی از این روایت در تفسیر بسمله استفاده کرده؛ اما با حذف بخش پایانی «من نقطه زیر با هستم» (همان: ۱۰۰)، درباره دلالت این خبر بر جایگاه علی علیه السلام در آگاهی از معانی ژرف قرآن کریم سکوت کرده است.

سه. در بیان مسئله جمع قرآن، با ارزیابی منابع روایی نامعتبر در خصوص قرآن امام علی علیه السلام و تحریف ناپذیری قرآن می نویسد:

«شیعیان و برخی سنیان معتقدند که علی بن ابی طالب علیه السلام نیز قرآن را کتابت کرد و بنابراین یک نسخه اصلی دیگر نیز از آن وجود داشته است. می دانیم که عثمان نیز از زید بن ثابت خواست که در گردآوری متن نهایی قرآن با علی علیه السلام مشورت کند... در برخی منابع نامعتبر، روایات محل مناقشه‌ای آمده است که بر طبق آن‌ها قرآن نوشته شده به خط امام علی علیه السلام، سوره‌های خاصی داشته که در نسخه عثمانی حذف شده‌اند، ولی جریان اصلی تشیع یا تسنن این دیدگاه را نپذیرفته‌اند و قرآنی که امروز مورد استفاده شیعیان است، شامل همان سوره‌ها و آیات موجود در جهان اهل سنت است و تنها تفاوت میان آن‌ها اختلاف اندک در شمارش چند آیه است» (همان: ۵۵).

چهار. در مقدمه تفسیر با اشاره به وحیانی بودن و غیر بشری بودن قرآن و این نکته که چیزی از حقیقت روح پیامبر صلی الله علیه و آله در قرآن حضور دارد، با تعبیر «حدیث معروف» از حدیث متواتر ثقلین و دو گوهر گران‌بهای قرآن و عترت یاد کرده است (همان: ۳۷)، ولی درباره حجیت سنت اهل بیت علیهم السلام و بیانات ایشان در شناخت و فهم معانی و مقاصد کلام الهی سخنی به میان نیاورده است.

پنج. حاکم حسکانی در تفسیر آیه شریفه «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» (حمد/۶)؛ «خدایا ما را به راه راست هدایت فرما»، از ابی بریده نقل کرده است که صراط مستقیم، یعنی صراط مصطفی صلی الله علیه و آله و صراط اهل بیت مصطفی صلی الله علیه و آله (حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ۱۴۱۱: ۷۳/۱). عبدالله بن عباس در تفسیر این آیه می‌گوید: «ای بندگان خدا بگویید: اهدنا به حب نبی صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام» (همان). تفسیر معاصرانه قرآن کریم، با وجود اشاره به این نکته که بسیاری از تفاسیر شیعی راه راست را امام اول شیعیان و ائمه علیهم السلام دانسته‌اند (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۱۱۴/۱)، در مقابل، به طرح چند قول ضعیف و غیر مشهور در منابع اهل سنت که در آن‌ها خلیفه اول و دوم به‌عنوان راه راست معرفی شده‌اند، می‌پردازد، هر یک از اقوال شیعه و اهل سنت را بیانگر چیزی می‌داند که به اعتقاد گروه‌های مختلف مسلمانان، تا زمانی که آدمی از آن پیروی کند، قطعاً به راه راست خواهد بود. مفسر در ادامه آورده است: «بودن بر راه راست یا بر یک راه راست، به شرحی که معمولاً در قرآن کریم بیان شده است،



می تواند به معنای همگام شدن با خدا به سوی خدا نیز تفسیر شود» (همان: ۱۱۵).

شش. در تفسیر آیه: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَئُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾ (بقره/۲۰۷): ضمن بیان معنای کلی آیه که «مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ، کسی است که از هوا و هوس خویش به خاطر خدا دست می کشد»، با نادیده انگاری روایات فراوان فریقین در خوابیدن امام علی علیه السلام بر بستر پیامبر صلی الله علیه و آله، به گزارشی از تعاللی با عبارت «برخی معتقدند که این آیه مرتبط با خوابیدن علی علیه السلام بر بستر پیامبر صلی الله علیه و آله است» (همان: ۳۷۷) بسنده کرده است و از بیان دلالت آیه بر فضیلت امام علی علیه السلام خودداری کرده است. مؤلف در ادامه به تبیین این آیه بر پایه گفتار عمر بن خطاب پرداخته است که در مقام تفسیر این آیه می گوید: «منظور کسی است که امر به معروف و نهی از منکر می کند و در راه آن کشته می شود» (ر.ک: همان: ۳۷۶).

هفت. در ذیل آیه الکرسی (بقره/۲۵۵)، به اعتقاد شیعی در شفاعت از طریق ائمه علیهم السلام که نقش محوری در شفاعت در حق مؤمنان ایفا می کنند، اشاره کرده است (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۱/۴۴۱)؛ اما روایات تفسیری شفاعت ائمه علیهم السلام را بیان نکرده است.

هشت. در ذیل آیه ﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُم بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (بقره/۲۷۴)؛ «آنها که اموال خود را شب و روز، پنهان و آشکار انفاق می کنند، مزدشان نزد پروردگارشان است؛ نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می شوند.» موضوع اصلی آیه را انفاق می داند و می گوید: برخی مفسران، این آیه را علاوه بر فحوای کلی اش، در شأن افراد خاصی برای مثال علی بن ابی طالب علیه السلام و ابوبکر می دانند؛ درحالی که بسیاری از مفسران بزرگ اهل سنت، این آیه را در شأن امام علی علیه السلام دانسته اند (ر.ک: حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ۱۴۱۱: ۱/۱۴۰)، به نظر می رسد تفسیر معاصرانه قرآن کریم این مطلب را به گونه ای نقل کرده است که بر دلالت آیه بر فضیلت علی علیه السلام خدشه وارد کند.

نه. در بیان فضیلت بهترین و کامل ترین زنان عالم، در تفسیر آیه ﴿وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ﴾ (آل عمران/۴۲)؛ «و هنگامی را که فرشتگان گفتند: ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته و بر تمام زنان جهان، برتری داده است.» به حدیثی اشاره می کند که در آن آمده است: «مریم دختر عمران، خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر محمد و آسیه همسر فرعون، تو را از میان زنان جهان کافی است» (همان: ۵۴۳). تفسیر معاصرانه قرآن کریم، با استناد به تفسیر ابن کثیر می نویسد: «در این حدیث و احادیث مشابه، این چهار زن بهترین و کامل ترین همه زنان

معرفی شده‌اند و بیشتر مسلمانان معتقدند که این زنان روح زنان سعادتمند را به بهشت راهنمایی می‌کنند» (همان). با وجود آنکه در تفسیر معاصرانه قرآن کریم اقوال ضعیف وارده در شأن افرادی خاص (همان: ۴۷۲) و روایاتی ضعیف در تفسیر آیات (ر.ک: همان: ۱۲۱/۱، ۳۰۳، ۳۹۳، ۳۵۲، ۲۳۵) آمده است، از بیان روایات تفسیری پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ در منابع شیعه (ر.ک: عروسی حویزی، نورالثقلین، ۱۴۱۲: ۳۳۷/۱) و اهل سنت (ر.ک: مناوی، اتحاف السائل بما لفاطمه من الفضائل، بی تا: ۱، ۸، ۱۲؛ متقی هندی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ۱۴۰۹: ۱۱۱/۱ و ۲۱۷/۶)؛ که در آنها فضایل و مقامات حضرت فاطمه ﷺ و برتری ایشان از همه زنان عالم آمده است، خودداری شده است.

ده. در ذیل آیه مباحله ﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾ (آل عمران/۶۱)، به روایات شأن نزول در فضیلت اهل بیت ﷺ اشاره کرده و می نویسد:

«بر طبق برخی روایات، روز بعد پیامبر ﷺ به همراه دخترش فاطمه ﷺ و دو فرزندش، حسن و حسین، راهی مکان مباحله شد. در برخی روایات آمده است، علی ﷺ، همسر فاطمه ﷺ و پسرعموی پیامبر ﷺ نیز جزو آنان بود، کما اینکه بر طبق آیه پسران و زنان دو طرف، جزو این مباحله بودند» (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۵۵۶/۱-۵۵۷).

با وجود آنکه آیه مباحله از مهم ترین ادله قرآنی در خصوص فضیلت و برتری اهل بیت ﷺ است و نزول آن درباره علی ﷺ و فاطمه ﷺ و حسن ﷺ و حسین ﷺ از مسلمات است (استادی، اهل بیت رسالت در تفسیر طبری، شماره ۲۵، ۱۳۶۸) و مفسران و اندیشمندان شیعه و اهل سنت در طول تاریخ بحث های مختلفی درباره آن انجام داده اند و روایات بسیاری در منابع فریقین به نقل از پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ و صحابه و تابعین درباره آن آمده است (ر.ک: طبری، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، ۱۳۹۳: ۳۰۱-۳۰۰/۳؛ ابن ابی حاتم، تفسیر القرآن العظیم، ۱۴۱۹: ۶۶۷/۲-۶۶۸؛ ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ۱۴۰۰: ۳۷۹/۱؛ سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر المأثور، ۱۴۰۴: ۲۳۱/۲-۲۳۲؛ قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ۱۳۶۴: ۱۰۴/۳؛ آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ۱۴۱۵: ۱۶۷/۳؛ حویزی، تفسیر نورالثقلین، ۱۴۱۲: ۳۴۹/۱)، بیان واژه «أنفسنا» و «أبناءنا» و روایات تفسیری فضیلت علی بن ابی طالب ﷺ و فرزندانش در ذیل آیه مغفول این اثر مانده است (ر.ک: نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۵۵۷/۱-۵۵۸) و مفسرانی مانند فخر رازی که منتقد عقاید شیعه اند



و نصر در فرازهای مختلف تفسیر خود به دیدگاه‌های وی استناد نموده است، تأکید می‌کنند که این آیه در فضایل اهل بیت علیهم‌السلام است و دلالت دارد بر اینکه حسن علیه‌السلام و حسین علیه‌السلام پسران پیامبرند (فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۸۸/۸-۸۹).

یازده. در منابع شیعی مصداق (عُرْوَةُ الْوُثْقَى) (بقره/۲۵۶)؛ «استوارترین دستاویز»، دوازده امام معرفی شده است. در حدیثی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده است: «هرکس دوست دارد، به استوارترین دستاویز چنگ بزند، به دوستی علی و خاندان او بیاویزد» (مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الاطهار علیهم‌السلام، ۱۴۰۳: ۸۶/۳۷)؛ امام صادق علیه‌السلام در توصیف ائمه علیهم‌السلام فرموده است: «ایشان همان عُرْوَةُ الْوُثْقَى، امامان هدایت یافته و حجت او بر اهل دنیا هستند» (همان: ۳۶/۳۹۷). در خبری دیگر امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید: «من راه مستقیم خداوند و ریسمان محکم الهی هستم که هرگز گسسته نخواهد شد» (همان: ۷۰/۸). در تفسیر معاصرانه قرآن کریم، «عُرْوَةُ الْوُثْقَى»، ناظر به ایمان یا شهادت به «لا اله الا الله»، تفسیر شده است (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۴۴۸/۱) و روایات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام نیامده است و تنها به نقل از طبرسی به اعتقاد برخی شیعیان مبنی بر آنکه ائمه علیهم‌السلام ریسمان خدا هستند، بسنده شده است. همچنین به روایات تفسیری معصومین علیهم‌السلام در ذیل آیه: «وَ اَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ اَعْدَاءً فَاَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَاصْبِرْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (آل عمران/۱۰۳)؛ که «حبل الله» را به علی علیه‌السلام و اهل بیت علیهم‌السلام تفسیر و تطبیق کرده‌اند (شوشتری، احقاق الحق و ازهاق الباطل، ۱۴۳۷: ۳/۵۳۹)، اشاره نشده است (ر.ک: نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۵۹۴/۱).

۳. جایگاه روایات اهل بیت علیهم‌السلام در تفسیر معاصرانه قرآن کریم

بنا بر آیات وحی (نحل/۴۴)، تبیین قرآن کریم و حجیت سنت حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مورد تأیید باری تعالی است و اگر بیان آن حضرت معتبر و لازم‌الاتباع نبود، این دستور لغو می‌شد و خلاف حکمت الهی لازم می‌آمد و خداوند برخلاف حکمت سخن نمی‌گوید و افعال خداوند بر تمام ابعادش است و این همان چیزی است که از آن به نظام احسن تعبیر می‌شود (سجده/۷؛ نمل/۸۸؛ توبه/۷۱؛ نساء/۱۰؛ شوری/۵۱). بر اساس حدیث شریف ثقلین که محدثان شیعه و اهل سنت آن را از طرق گوناگون از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل کرده‌اند (ابن حنبل، المسند، ۱۴۱۴: ۱۷/۳؛ قشیری نیشابوری، الجامع الصحیح، ۱۴۱۲: ۴/۳۶-۳۷؛ ترمذی، الجامع الصحیح سنن ترمذی، ۱۴۲۳: ۲/۳۰۸؛ مفید، -

الإرشاد، ۱۳۷۷: ۲۳۳)، تمسک به قرآن و اهل بیت علیهم السلام، شرط عدم گمراهی مسلمانان است و روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام که جزیی از سنت ایشان است، معتبر و حجت است و باید بدان تمسک جست. ابن حجر هیتمی پس از نقل این روایت می نویسد: «این حدیث با بیش از بیست طریق، توسط صحابه نقل شده است» (ابن حجر هیتمی، الصواعق المحرقة فی الرد علی اهل البدع و الزندقة، ۱۴۱۴: ۲۶۲). آیت الله بروجردی، سند این حدیث را به سی و چهار تن از بزرگان اسلام و یاران پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت داده، می نویسد: «بیش از ۱۸۰ نفر از دانشمندان و مشاهیر اهل سنت در جوامع حدیثی، صحاح و سنن آن را نقل کرده اند» (طباطبایی بروجردی، جامع احادیث الشیعه، ۱۳۹۹: ۲۰/۱). شهرستانی از عالمان نامی اهل سنت در مورد برداشت های خود از حدیث ثقلین می نویسد: «پیامبر صلی الله علیه و آله قرآن را به حاملانی از عترت طاهره اش و ناقلانی از یاران پاک و شایسته خود اختصاص داد؛ آنان قرآن را به شایستگی تلاوت می کنند و به درستی در آن غور می کنند. پس قرآن میراث پیامبر صلی الله علیه و آله و عترتش علیهم السلام و ارثان آن حضرت اند و آنان یکی از دو ثقل هستند» (شهرستانی، مفاتیح الاسرار و مصابیح الأبرار، ۱۳۷۶: ۱۰۵/۱). وی می افزاید: «اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله همه بر این نکته اتفاق نظر داشتند که دانش قرآنی ویژه اهل بیت علیهم السلام است.» (همان: ۱۰۵/۱).

در احادیث متعددی از اهل بیت علیهم السلام نقل شده است که «هرچه ما می گوئیم، کلام پیامبر صلی الله علیه و آله است» (کلینی، اصول الکافی، ۱۳۸۸: ۵۳/۱) و روشن است که اهل بیت علیهم السلام عادل و موثق بوده اند و نقل آنان از پیامبر صلی الله علیه و آله نیز معتبر است؛ بنابراین احادیث تفسیری و غیر تفسیری آنان همان بیانات رسول خدا صلی الله علیه و آله است که با واسطه به ما رسیده است (رضایی اصفهانی، مبانی و قواعد تفسیر قرآن، ۱۳۸۷: ۴۴/۱). حجیت روایات تفسیری معصومین علیهم السلام در پرتو روایاتی که بر همراهی امام علی علیه السلام و امامان بعد از ایشان با قرآن دلالت دارند: «عَلَيْهِ مَعَ الْقُرْآنِ وَ الْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ لَا يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ» (حاکم نیشابوری، مستدرک علی الصحیحین، ۱۴۱۱: ۱۲۴/۳)؛ «علی با قرآن است و قرآن با علی است و آن دو از یکدیگر جدا نخواهند شد تا در کنار حوض به من برسند.» بیانگر ضرورت بهره گیری از بیان ایشان در فهم و دریافت مقاصد و مدالیل کلام الهی هستند. این مهم در حالی است که در تفسیر معاصرانه قرآن کریم بر ارزش و جایگاه سخنان اهل بیت علیهم السلام در تفسیر آیات وحی تأکید نشده است و برتری بیانات و تفاسیر امام علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام بر سایر مردم روشن نشده است. در این تفسیر کاستی های ذیل درباره روایات اهل بیت علیهم السلام مشهود است.

یک. قرآن شناخت در بیان روایات اهل بیت علیهم السلام با روایات دیگر صحابه و تابعین هیچ تفاوتی قائل



نشده و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام را در ردیف دیگر صحابه و تابعین قرار داده است. در این تفسیر روایات امام علی علیه السلام (ر.ک: نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۱/۶۴۶)، در ردیف روایات ابن عباس (همان: ۱۴۱، ۱۳۶، ۱۵۳، ۱۵۶، ۱۹۳، ۲۱۰، ۳۵۸، ۴۰۶، ۴۵۶، ۴۶۲)، عمر بن خطاب (ر.ک: همان: ۱۱۰، ۲۹۲، ۳۵۱، ۳۷۶)، ابوبکر (همان: ۱۲۵، ۶۳۱) قرار داده شده است و به خواننده چنین القا می شود که علی بن ابی طالب علیه السلام نیز صرفاً یکی از صحابیان مفسر نخست بوده است. در حالی که بنا بر روایات شیعه و اهل سنت (حر عاملی، وسایل الشیعة الی تحصیل مسایل الشریعة، ۱۴۰۹: ۲۷/۸۲)، جایگاه امام علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام با دیگران قابل مقایسه نیست؛ آن حضرت به همه معانی و معارف قرآن و ظاهر و باطن آیات وحی آگاه بوده و عالم ترین فرد به تفسیر و عارف ترین ایشان به تنزیل معرفی شده اند. از عایشه در برتری و فضیلت علی علیه السلام بر دیگر اصحاب در فهم و تفسیر قرآن نقل شده است: «علی داناترین اصحاب محمد صلی الله علیه و آله است، نسبت به آنچه بر محمد نازل شده است» (حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ۱۴۱۱: ۱/۴۷). آن حضرت در بیان علم فراگیر و زوال ناپذیر خود در فهم و تفسیر قرآن تحت تعلیم و نظارت رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «بر رسول خدا صلی الله علیه و آله آیه ای از قرآن نازل نشد، مگر اینکه مرا به خواندن آن واداشت یا آن را املاء نمود و من با خط خود آن را نوشتم و تأویل و تفسیر و ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه آن را به من آموخت و از خدا خواست که فهم و حفظ آن را به من یاد دهد و من یک حرف آن را فراموش نکردم.» (همان: ۱/۴۸). در حدیث دیگری از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است: «هرکس که علم قرآن برایش پوشیده است و از من یاد نگرفته و نشنیده است، باید به علی بن ابی طالب علیه السلام رجوع کند؛ زیرا او ظاهر و باطن و محکم و متشابه آن را همان گونه که من می دانم، می داند» (مجلسی، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام، ۱۴۰۳: ۳۸/۹۴).

در خطبه ای از علی بن ابی طالب علیه السلام روایت شده است: «همانا خدای عزوجل قرآن را بر من نازل کرده است که هر کس با آن مخالفت کند، گمراه است و هرکس علم آن را در نزد غیر علی علیه السلام طلب کند، هلاک می شود» (صفار، بصائر الدرجات، ۱۴۰۴: ۱۹۸)؛ بنابراین روایات، تردیدی نمی ماند که آن حضرت توان تفسیر همه معانی قرآن را داشته و هر سؤال تفسیری را پاسخگو بوده است و به مقداری که مردم زمان آن حضرت استعداد و صلاحیت داشته و خواستار بوده اند، قرآن کریم را برای آنان تفسیر کرده است و فهم مرتبه کامل معانی و معارف قرآن کریم بدون بهره گیری از رسول خدا صلی الله علیه و آله و تربیت یافتگان آن حضرت امکان پذیر نیست. از این رو چگونه می توان تفسیر معاصرانه قرآن کریم را

راهگشای هدایت بشر در گردهادهای فکری زمانه بدون استناد به مفسران حقیقی کلام‌الله، تفسیری کامل از قرآن قلمداد کرد، درحالی‌که در آن جایگاه ستارگان هدایت و طریق کمال و وصول به قرب الهی تبیین نشده است و از روایات تفسیری آگاهان حقیقی به قرآن مجید کم نصیب است.

دو. در تفسیر معاصرانه قرآن کریم، از افرادی مانند مجاهد (ر.ک: نصر، تفسیر معاصرانه قرآن - کریم، ۱۳۹۹: ۱۵۲/۱، ۱۹۷۱۵۶، ۶۸۴)؛ و حسن بصری (همان: ۱۶۶، ۶۷۹) به‌عنوان مفسران سنتی و نخست قرآن یاد شده است و باوجودآنکه امام سجاد علیه السلام، امام باقر علیه السلام، امام صادق علیه السلام و ... در منابع رجالی اهل سنت در ردیف تابعان جای دارند و بنا بر شواهد عقلی و نقلی، این بزرگان به همه معانی و بطون آیات واقف هستند، به روایاتی محدود از امام باقر علیه السلام (همان: ۲۷۱) و امام صادق علیه السلام (همان: ۱۱۲، ۲۷۱) بسنده شده است و روایات سایر اهل بیت علیهم السلام نیامده است، در حالی است که علم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به امام علی علیه السلام و مفاهیم و معانی وحی از امامی به امام دیگر انتقال یافته و تفسیر اهل بیت علیهم السلام در ردیف تفسیر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی علیه السلام است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند: «همانا علی علیه السلام و همسرش علیهما السلام و فرزندان علیهم السلام حجت‌های خدا بر مردم و درهای علم در امت من هستند. هرکس به آن‌ها هدایت جوید، به صراط مستقیم هدایت یافته است» (حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، - ۱۴۱۱: ۷۶۴۸/۱). روشن است که بخشی از این علم، فهم معانی و تبیین مقاصد والای آیات وحی است که اهل بیت علیهم السلام به‌واسطه آن مردم را هدایت و حجت را بر آنان تمام می‌کنند (ایازی، جایگاه اهل بیت در تفسیر قرآن، ۱۳۸۲).

سه. بیشترین روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام در تفسیر معاصرانه قرآن کریم، احادیث اندک امام علی و امام باقر و امام صادق علیهم السلام است که مفسر نام امام را بدون پیشوند و صرفاً با نام علی بن ابی طالب (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۵۲/۱، ۵۶، ۱۰۰، ۴۷۲)؛ و یا علی علیه السلام (همان: ۶۴۶) و گاه امام علی علیه السلام (همان: ۵۴ و ۵۶) و گاه خلیفه چهارم (همان: ۱۲۵) ذکر کرده است.

در منابع اهل سنت این پیشوایان از جایگاه ویژه‌ای در فهم آیات وحی و دین‌شناسی برخوردارند و روایات امام علی علیه السلام بخش قابل توجهی از میراث روایی و تفسیری اهل سنت و شیعه را به خود اختصاص داده است. برای نمونه، در تفسیر «کشف الاسرار و عدة الأبرار» میبیدی که در ردیف کامل‌ترین و مهمترین کتب تفسیری صوفی جای دارد و تفسیر معاصرانه در تفسیر معنوی آیات از آن بهره جسته است، اهل بیت علیهم السلام از جایگاه والایی برخوردار هستند و احادیث و سخنان ایشان در تفسیر آیات و گاه در تأیید دلایل مفسر و فصل الخطاب کلام مورد استناد قرار گرفته است، به لحاظ ذکر نام ائمه علیهم السلام



نیز احترام والاتری نسبت به دیگر صحابه قائل شده است که می توان این نوع احترام را ناظر به مبنای فقه شافعی دانست. میبیدی در سرآغاز تفسیر خود با نگارش جمله «خیر کلمات الله الشکر علی ما افتتح به القرآن من الحمد، فالحمد لله رب العالمین و الصلوه علی رسوله محمد و آله اجمعین اما بعد...» (میبیدی، کشف الأسرار و عده الأبرار، ۱۳۷۱: ۱/۱)؛ یادآور عمل به حدیث نورانی پیامبر ﷺ می شود که فرمود: «به هنگام درود فرستادن بر من، آن را ناقص مگوئید، بلکه بر اهل بیت من نیز درود فرستید و آنان را از من جدا مسازید. پس همانا که در روز قیامت هر سبب و نسیی از بین خواهد رفت، جز سبب و نسب من.» (مجلسی، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار ﷺ، ۱۴۰۳: ۲۰۹/۵؛ وی در حدود ۲۰۰ حدیث از امام علی ﷺ و حدود ۱۰ حدیث از دیگر ائمه ﷺ در تفسیر خود نقل کرده است (ر.ک: میبیدی، کشف الأسرار و عده الأبرار، ۱۳۷۱: ۱۴۹/۳؛ ۱۸۱/۳؛ ۲۰۲/۴؛ ۶۴۶/۵؛ ۳۴۸/۸؛ ۲۱۵؛ ۴۱۲/۹) و تفسیر معاصرانه قرآن کریم از آنها بهره نبرده است.

بنابراین با توجه به اهمیت روایات تفسیری اهل بیت ﷺ و تأثیر آن ها در معرفت بخشی آیات قرآن و حجم گسترده روایات تفسیری اهل بیت ﷺ در منابع روایی و تفسیری شیعه و اهل سنت (ر.ک: بانکی - پور و خوشبخت، تحلیل درصد بهره مندی تفاسیر قرآن از روایات اهل بیت ﷺ، ۱۳۹۶) و تلاش پیشینیان برای جمع آوری و تنظیم روایات اهل بیت ﷺ در قالب تفاسیر روایی، تفسیر معاصرانه قرآن - کریم برای دست یابی به معارف قرآن که بخشی از این آئینه تجلی حق، تنها در قلب پاک معصومان ﷺ جای گرفته و در گفتار و کردارشان بروز یافته است (ر.ک: برقی، المحاسن، ۱۳۷۱: ۲۶۸/۱)، با کاستی مواجه است.

چهار. این تفسیر در ذکر روایات محدود از اهل بیت ﷺ، همانند نقل دیگر روایات صحابه و تابعان، از روش روایی محض استفاده کرده است و عموماً در بیان تفسیر آیات، به تبیین و تحلیل و ذکر مسائل جانبی غیر از روایت در تفسیر آیه و شناخت مقاصد کلام الهی پرداخته است. همچنین تفسیر و برداشت شخصی خود را در ذیل این روایات بیان نکرده است (ر.ک: نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۱۱۲/۱، ۲۷۱). نویسنده در بیان روایات تفسیری اهل بیت ﷺ تنها به تفسیر ظاهری آیات توجه داشته است و به تبیین روایاتی که در تفسیر آیاتی مانند مباحله در فضیلت و برتری اهل بیت ﷺ آمده اند، اهتمام نورزیده است (ر.ک: همان: ۴۷۲ و ۵۵۷).

پنج. با وجود آنکه در طول تاریخ تفسیر، توجه به ظواهر و بطون آیات وحی مورد توجه مفسران فریقین بوده است (ر.ک: معرفت، التفسیر و المفسرون، ۱۴۱۸: ۳۲/۲)، بهره گیری از روایات

معصومین علیهم السلام در فهم مراتب عالی و ژرفای بطون قرآن برای دستیابی به لایه‌ها و سطوح معرفتی قرآن لازم است و فهم قاصر بشری بدون عنایت اهل بیت علیهم السلام به درک بطون نائل نمی‌آید (خویی، محاضرات فی اصول الفقه، ۱۴۱۹: ۲۱۳/۱).

علامه طباطبایی معتقد است، شیوه جمع میان ظاهر و باطن شیوه اهل بیت علیهم السلام است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۰: ۷/۱). این مطلب از احادیث و سنت عملی اهل بیت علیهم السلام قابل استفاده است (ر.ک: شریف رضی، نهج البلاغه، ۱۳۷۹: خطبه ۱۸؛ فیض کاشانی، الصافی فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۵: ۱۴/۱ و ۲۹). امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «گروهی به ظاهر ایمان آوردند؛ اما به باطن کفر ورزیدند که این هیچ نفعی به حال آن‌ها ندارد و گروهی پس از آن‌ها آمدند که به باطن ایمان آورده؛ اما به ظاهر کفر ورزیدند. این نیز هیچ سودی به حال آنان ندارد. ایمان به ظاهر و باطن تحقق نمی‌یابد، مگر به اعتبار و عمل بر طبق ظاهر» (صفار قمی، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام، ۱۴۰۴: ۵۵۶). از این رو علامه طباطبایی می‌نویسد:

«قرآن کریم با بیان لفظی خود مقاصد دینی را روشن می‌کند، در پناه همین الفاظ و در باطن همین مقاصد، مقاصدی عمیق‌تر قرار دارد که خواص می‌توانند بفهمند آنچه در قرآن کریم به نام (تأویل) ذکر شده، از قبیل مدلول لفظ نیست، بلکه واقعیت‌هایی بالاتر از درک عامه است و تنها پیامبران و پاکان که از آرایش‌های بشریت پاک‌اند، می‌توانند از راه مشاهده، این مقاصد را بیابند» (طباطبایی، شیعه در اسلام، ۱۳۶۰: ۷۸-۸۲).

بنابراین نمی‌توان دلالت قرآن کریم را در سطح ظاهر و بیان مفاهیم آیات خلاصه کرد، بلکه دلالت آن علاوه بر ظاهر در سطح باطن و علاوه بر مفهوم در سطح مصداق نیز قابل پیگیری است و روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام که خود دانای به تأویل و وحی‌اند (آل عمران/۷)، نقشی بی‌بدیل در دستیابی به معارف و معانی قرآن دارد و این ظرفیت به‌طور شایسته در تفسیر معاصرانه قرآن کریم استفاده نشده است. این تفسیر به بیان تفسیر باطنی آیات بر پایه تفاسیری مانند ابن‌عجیبه (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۱۸۶/۱ و ۲۰۰ و ۲۰۷) و ابن عربی (همان: ۱۸۱) بسنده کرده است.

شش. ضرورت بهره‌گیری از تمامی روایات اهل بیت علیهم السلام و عدم انحصار احادیث تفسیری از بایسته‌های تفسیر است که در تفسیر معاصرانه برای کشف معانی قرآنی و وصول به مراد جدی خداوند به نحو شایسته استفاده نشده است. آن‌گونه که مفسران نامی معاصر نیز تصریح کرده‌اند، احادیث تفسیری اهل بیت علیهم السلام نه تنها در شأن نزول، جری و تطبیق و یا تفسیر آیات نقل شده، بلکه حتی احادیثی



که به گونه ای با معنای آیه مرتبط است، باید مورد جمع واقع شود (جوادی آملی، تسنیم تفسیر قرآن - کریم، ۱۳۷۸: ۱/۱۶۱). این گستردگی دامنه و لزوم بهره مندی از کلیه اقوال و اعمال اهل بیت علیهم السلام، مبتنی بر آن است که بنا بر روایات اسلامی، حقیقت اهل بیت علیهم السلام با حقیقت قرآن متحد است و هر فعل یا قول ایشان به منزله شرح آیات الهی است که در وجود آن حضرات تبلور یافته (حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ۱۴۱۱: ۳/۱۲۴) و لزوم تمسک به قرآن و اهل بیت علیهم السلام به روشنی در حدیث ثقلین آمده است (کلینی، اصول الکافی، ۱۳۸۸: ۱/۲۹۴). هماهنگی و اتحادی که میان اهل بیت علیهم السلام و قرآن وجود دارد، دلیلی است بر اینکه تک تک گفتار و رفتار ایشان می تواند در تفسیر قرآن مورد استشهاد قرار گیرد. علامه طباطبایی در تبیین ضرورت بهره گیری از همه روایات و شمول حدیث بر موضوع آیه به عنوان قرینه ای بر امکان استفاده از روایت در تفسیر آیات وحی، در ذیل تفسیر آیه ۱۷۲ سوره اعراف، ضمن استشهاد به روایتی که در تفسیر آیه وارد نشده است، به جهت شامل شدن بر موضوع آیه به آن استناد می جوید و می نویسد:

«این روایت گرچه از روایات وارده در تفسیر آیه ذر نیست، ولی از آنجاکه مشتمل بر داستان اخذ میثاق است، ما در اینجا ایرادش کردیم و در این روایت ذکری از ظلال شده و این تعبیر در لسان ائمه اهل بیت علیهم السلام مکرر آمده و مراد از آن به طوری که از ظاهر این روایت استفاده می شود، توصیف آن نشأت است که به وجهی عین نشأت دنیاست و به وجهی غیر آن است و احکامی دارد که به وجهی غیر احکام دنیاست و به وجهی عین آن است؛ بنابراین روایت با بیان سابق ما کاملاً منطبق است» (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۰: ۸/۳۲۶).

هفت. عدم استفاده از اخبار سیره اهل بیت علیهم السلام و سبک رفتاری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام که عموم سیره نویسان از آن غافل بوده و تنها به وقایع تاریخی اکتفا کرده اند (ر.ک: مطهری، سیره نبوی، ۱۳۶۱: ۱۱)؛ از جمله آسیب های تفسیر معاصرانه قرآن کریم در فهم و تفسیر معانی آیات وحی است. نصر در مقدمه این تفسیر تصریح می کند که تنها در صورت لزوم، از منابع سیره و منابع حدیثی سنتی و شیعی بهره جسته است (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۱/۷۲). اهمیت سیره اهل بیت علیهم السلام از این جهت است که سبک رفتار و اصول و قواعد و روش های حاکم بر رفتار اهل بیت علیهم السلام، تجلی عینی آیات قرآن کریم است (ابن سعد، الطبقات الکبری، بی تا: ۱/۳۶۴). بدون تردید هیچ انسانی بی نیاز از الگوگیری در حیات خود نیست (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۰: ۱/۲۱۲)؛ و تنها در سایه روش یادگیری مشاهده ای و ارائه الگوی عملی می توان ادعا کرد که قرآن شناخته شده و به پیام های

هدایتی و روشنگر آن عمل می‌شود. امام حسین علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «هَذَا خِطْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِنْ نَارٍ يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُؤُسِهِمُ الحُمِيمُ» (حج/۱۹): «این دو گروه، دشمن یکدیگرند که درباره پروردگارشان به مخاصمه و جدال پرداختند. کسانی که کافر شدند، لباس‌هایی از آتش برای آن‌ها بریده شده و مایع سوزان بر سرشان ریخته می‌شود»، خود را مصداق این آیه معرفی کرده است و اهل بیت علیهم السلام را مصداق کسانی معرفی می‌کند که با قول «صدق الله» به مجاهده الهی با بنی امیه که گفتار «کذب الله» را سرلوحه خود قرار داده‌اند، برخاسته‌اند. بر این اساس، تمامی رفتارهای مجاهدانه اهل بیت علیهم السلام در برابر بنی امیه را مصداق این آیه دانسته‌اند (ر.ک: ابن بابویه، الخصال، ۱۴۰۳: ۴۳/۱). سیره عملی آن حضرت در روز عاشورا تفسیر عملی آیه شریفه (ایاک نعبد و ایاک نستعین) (حمد/۵): «تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جوییم» است. حصر نمودن پرستش برای خدا و دخالت ندادن هیچ عامل دیگر در این خصوص، مستلزم آن است که کلیه افعال انسان از تمامی قیودرها شود و در اختیار فرمان پروردگار درآید (عبداله زاده و ایزدی، ظرافت‌های مغفول احادیث اهل بیت علیهم السلام در تفسیر قرآن کریم، ۱۳۹۹). سیره امام حسین علیه السلام، نمایشی از حصر عبادت برای خداست؛ سید-الشهدا علیه السلام که در رؤیایی صادقه، فرمان قیام همراه با خانواده را از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دریافت می‌کند (ر.ک: ابن طاووس، اللهوف فی قتلی الطفوف، ۱۳۴۸: ۶۵)، دیگر هیچ توصیه به ظاهر خیر خواهانه را نمی‌پذیرد و از هر موقعیتی برای انجام فرمان الهی بهره می‌جوید (ر.ک: ابن بابویه، الاعتقادات فی دین الإمامیه، ۱۴۱۴: ۵۲).

تفسیر معاصرانه قرآن کریم بدون بهره‌گیری از سیره عملی اسوه‌های حسنه و تربیت‌یافتگان دامان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام که سزاوارترین افراد برای معرفی قرآن و تبیین اهداف آن به شمار می‌روند (ر.ک: جوادی آملی، قرآن در نهج البلاغه، ۱۳۸۴) و بهترین روش برای رسیدن به پیام و حقیقت قرآن‌اند، از ژرف‌نگری و دریافت لایه‌ها و بطون و حقایق و کشف تأویلات و سر اسرار و نه فقط فهم معانی از ظواهر محروم است.

هشت. رفع اختلافات در تفسیر و تأویل و فهم کلی قرآن از جایگاه‌های اختصاصی اهل بیت علیهم السلام نسبت به تفسیر قرآن کریم است. جامعه علمی در تفسیر و تأویل آیات وحی، به فصل الخطاب نیازمند است. از منصور بن حازم نقل شده است که به امام صادق علیه السلام عرض کردم:

«با گروهی در مورد حجت خدا بودن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر خلق صحبت می‌کردم، به آنان گفتم که پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، حجت بر خلق کیست؟ آنان گفتند: قرآن. گفتم: اما تمام فرقه‌ها حتی آنان که بی‌دین



هستند، با قرآن برای غلبه بر دشمنانشان استدلال می‌کنند. پس قرآن بدون قیمی که گفته‌اش حق باشد، حجت نیست و به آنان گفتیم: قیم قرآن کیست؟... گفتند: کسی که بگوید همه قرآن را می‌شناسم، سراغ نداریم! گفته شده علی علیه السلام همه آن را می‌دانست، پس شهادت دادم که علی علیه السلام قیم قرآن است و حجت خدا بر مردم و اطاعتش بر همه واجب... پس امام علیه السلام مرا دعا کرد» (کلینی، اصول الکافی، ۱۳۸۸: -۱۶۸/۱).

در روایات امام هادی علیه السلام به نقل از امام صادق علیه السلام این معنا مورد توجه قرار گرفته است و در آن بر نقش امام علی علیه السلام پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و جایگزینی آن حضرت در رفع اختلاف تفسیر و تداوم سنت اشاره شده است (همان: ۱۴۷/۱). جایگاه انحصاری اهل بیت علیهم السلام در رفع اختلافات، بیانگر احاطه و رسوخ علمی اهل بیت علیهم السلام است و اگر اهل بیت علیهم السلام در عصر خود به منزلت و جایگاه خود و تفسیر و تبلیغ آیات وحی دست می‌یافتند، بخش زیادی از نزاع‌های کلامی و اختلافات اعتقادی و نحله‌های مذهبی پدیدار نمی‌شد و اسرائیلیات و خرافات در منابع تفسیری و فرهنگ اسلامی رسوخ نمی‌کرد (ر.ک: ایازی، المفسرون حیاتهم و منهجهم، ۱۳۷۳: ۷۸). روشن است که این روایات بیانگر موقعیت اهل بیت علیهم السلام در پیوند با صاحب وحی و تربیت در محیط وحی است. بدون تردید، پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، امام علی علیه السلام با توجه به مصاحبت طولانی با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، جامع‌ترین و آگاه‌ترین فرد به تفسیر و تأویل آیات وحی است (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۱۴۰۷: ۱۴۲/۲)؛ و ائمه علیهم السلام نیز که تربیت‌یافتگان این مکتب‌اند و در خانه وحی تربیت‌یافته‌اند، اولی به تفسیر و اختلافات تفسیری-اند و این کارکرد روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام، در تفسیر معاصرانه قرآن کریم مغفول مانده است. از این رو در این تفسیر عموماً گزارش اقوال مختلف آمده و خواننده از فصل الخطاب مبتنی بر روایات اهل بیت علیهم السلام بی‌بهره است.

نه. بیان مصادیق آیات و بهره‌گیری از احادیث جری و تطبیق که قابلیت ارائه فهم و درک نوینی از آیات وحی را دارند، در تفسیر و فهم معانی قرآن ضروری است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۰: ۴۲۸/۱). مراد از جری و تطبیق، انطباق ظاهر قرآن (واژگان یا جمله‌ها) که مفهومی عام، کلی یا مطلق است، بر مصداق‌های جدید که در طول اعصار، نسل‌ها و مکان‌ها پدید می‌آیند و در این مورد تفاوتی ندارد که آیه (واژه یا جمله) قبلاً در مورد شخص یا واقعه خاصی نازل شده باشد یا نشده باشد (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن، ۱۳۸۷: ۴۴۰). به کارگیری قاعده جری و تطبیق، نوعی از تفسیر به شمار می‌آید؛ زیرا مصادیق آیه را مشخص می‌کند و این نوعی ابهام‌زدایی و توضیح مقصود آیه است.

این قاعده تفسیری غیر از «بطن» است؛ زیرا در جری، ظاهر عام یا مطلق آیه، مستقیماً بر مصادیق تطبیق می‌شود. به عبارت دیگر، قاعده جری و تطبیق، نوعی تطبیق ظواهر قرآن بر مصادیق است؛ اما در بطن نوعی تطبیق باطن قرآن بر مصادیق جدید است و در حقیقت، در اینجا دو نوع تطبیق است (همان: ۴۴۱-۴۴۰). این مهم از حدیث فضیل بن یسار قابل استفاده است که از امام باقر علیه السلام در مورد قرآن نقل کرده است: «ظاهر قرآن، چیزی است که نازل شده و باطن آن، تأویل قرآن است. برخی از مطالب قرآن گذشته (و واقع شده) و برخی مطالب آن نیامده است. قرآن، همچون خورشید و ماه جریان دارد» (سلمی سمرقندی، تفسیر العیاشی، ۱۴۱۱: ۱۱۰/۱).

توجه به مصداق یکی از ظرفیت‌های روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام است که با وجود حجم فراوان آن‌ها در منابع روایی شیعه و اهل سنت، تفسیر معاصرانه قرآن کریم از آن کم‌بهره است. علامه طباطبایی تعداد این دسته روایات را صدها روایت عنوان کرده است (ر.ک: طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۰: ۴۲/۱). این روایات اهل بیت علیهم السلام نه تنها در شناخت مصداق، در توضیح و تبیین مفهوم آیات راهگشاست و بی‌توجهی به آن موجب فهم ناقص آیات وحی است. این قاعده تفسیری، مبتنی بر اصل جاودانگی قرآن کریم است و جریان داشتن قرآن کریم در طول زمان مبتنی بر زنده بودن و نامیرا بودن متن قرآنی است. به جهت جاودانگی و فرازمانی و فرامکانی بودن قرآن و عدم تأثیرپذیری آن از فرهنگ زمانه یا منبع هم‌عرض دیگری، این معجزه جاوید از خصوصیت جری و تطبیق برخوردار است و در فهم مراد الهی تأثیر مستقیم دارد. از آنجاکه این مفهوم ریشه در روش تفسیری اهل بیت علیهم السلام برای درک مقصود قرآن (کلینی، اصول الکافی، ۱۳۸۸: ۱۹۲/۱) دارد، استفاده نکردن از روایات گسترده جری و تطبیق اهل بیت علیهم السلام در تفسیر معاصرانه قرآن کریم، تشنگان معارف آیات وحی را از دریافت کامل معارف قویم قرآن محروم ساخته و کتاب خدا را اثری تاریخی نمایانده است.

نتیجه

در تفسیر معاصرانه قرآن کریم، با وجود آنکه عالمان و اندیشه‌وران مسلمان در عرصه‌های مختلف علوم اسلامی از سنت به‌عنوان یکی از مهمترین و معتبرترین منابع شناخت دین و فهم معانی و مقاصد کلام الهی یاد کرده‌اند و اعتبار سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام با دو دلیل عقلی و نقلی قابل اثبات است و امت اسلامی باید از آن‌ها که وصولشان به فرازمندترین قله تکامل بشری و مراتب قرب الهی، سبب شده در سرزمین جانشان چیزی جز خواست و اراده الهی راه نیابد، پیروی نمایند و معارف بلند قرآن را



از ایشان که آگاه‌ترین تربیت‌یافتگان مکتب وحی‌اند، دریافت‌کنند، تبیین فضایل و مناقب اهل بیت علیهم‌السلام و دفاع از شأن و منزلت ایشان از طریق روایات تفسیری و شواهد قرآنی و روایی منابع معتبر شیعه و اهل سنت به روشنی نیامده است. همچنین با وجود اهمیت روایات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام و تأثیر آن‌ها در معرفت بخشی آیات قرآن و حجم گسترده روایات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام در منابع روایی فریقین و تلاش پیشینیان برای جمع‌آوری و تنظیم روایات اهل بیت علیهم‌السلام در قالب تفاسیر روایی؛ عدم تفاوت در بیان روایات اهل بیت علیهم‌السلام با روایات دیگر صحابه و تابعین و قرار دادن اهل بیت علیهم‌السلام در ردیف دیگر صحابه و تابعین، پیشی گرفتن روایات صحابه بر روایات تفسیری صدرالمفسرین علی علیه‌السلام، بهره‌نبردن از روایات معصومین علیهم‌السلام در فهم مراتب عالی و ژرفای بطون قرآن برای دستیابی به لایه‌ها و سطوح معرفتی قرآن کریم، عدم استفاده از اخبار سیره اهل بیت علیهم‌السلام و سبک رفتاری پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام، بهره‌نبردن از احادیث جبری و تطبیق که قابلیت ارائه فهم و درک نوینی از آیات وحی را دارند، از کاستی‌های تفسیر معاصرانه قرآن کریم در دست‌یابی به معارف قویم قرآن است که بخشی از این آیینہ تجلی حق، تنها در قلب پاک معصومان علیهم‌السلام جای گرفته و در گفتار و کردارشان بروز یافته است.

پی‌نوشت:

- (۱) Harper SanFrancisco
- (۲) Harper One

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، تهران: ۱۳۸۰ ش.
۲. ابن ابی حاتم رازی، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم، مکتبه نزار المصطفی الباز، مکه المکرمة: ۱۴۱۹ ق.
۳. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، الاعتقادات فی دین الإمامیه، دارالمفید، بیروت: ۱۴۱۴ ق.
۴. — الخصال، مؤسسه النشر الاسلامی، قم: ۱۴۰۳ ق.
۵. ابن حجر هیتمی مکی، أحمد بن محمد، الصواعق المحرقة فی الرد علی اهل البدع و الزندقه، تحقیق: عبدالوهاب عبداللطیف، دارالکتب العلمیه، بیروت: ۱۴۱۴ ق.
۶. ابن حنبل شیبانی، احمد بن محمد، المسند، تحقیق: عبدالله محمد درویش، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
۷. ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، دارصادر، بیروت: بی تا.
۸. ابن طاووس، سید رضی الدین، اللهوف فی قتلی الطفوف، جهان، تهران: ۱۳۴۸ ش.
۹. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، دارالفکر، بیروت: ۱۴۰۰ ق.
۱۰. ارجینی، حسین، «تأملاتی در زندگی و اندیشه های سید حسین نصر»، معرفت، شماره ۱۳۱، ۱۳۸۷.
۱۱. استادی، رضا، «اهل بیت رسالت در تفسیر طبری»، کیهان اندیشه، شماره ۲۵، ۱۳۶۸.
۱۲. آلوسی بغدادی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، دارالکتب العلمیه، بیروت: ۱۴۱۵ ق.
۱۳. ایازی، سید محمد علی، «جایگاه اهل بیت علیهم السلام در تفسیر قرآن»، بینات، شماره ۳۷ و ۳۸، ۱۳۸۲.
۱۴. — المفسرون حیاتهم و منهجهم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: ۱۳۷۳ ش.
۱۵. بانکی پور، امیر حسین، خوشبخت، نرگس، «تحلیل درصد بهره مندی تفاسیر قرآن از روایات اهل بیت علیهم السلام»، پژوهش های قرآن و حدیث، سال ۵۰، شماره دوم، ۱۳۹۶.
۱۶. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، قم: چاپ دوم، ۱۳۷۱ ش.



۱۷. ترمذی، محمد بن عیسی، الجامع الصحیح سنن ترمذی، دارالمعرفه، بیروت: ۱۴۲۳ ق.
۱۸. جوادی آملی، «قرآن در نهج البلاغه»، پژوهش های فقهی، سال اول، تابستان و پاییز ۱۳۸۴.
۱۹. —، تسنیم تفسیر قرآن کریم، اسراء، قم: ۱۳۷۸ ش.
۲۰. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالکتب العلمیه، بیروت: ۱۴۱۱ ق.
۲۱. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، مؤسسه آل البيت (ع)، قم: ۱۴۰۹ ق.
۲۲. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تحقیق: محمد باقر محمودی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران: ۱۴۱۱ ق.
۲۳. خویی، سید ابوالقاسم، محاضرات فی أصول الفقه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم: ۱۴۱۹ ق.
۲۴. ذهبی، شمس الدین أبو عبدالله محمد بن أحمد، سیر أعلام النبلاء، تحقیق: شعیب الارناؤوط، مؤسسه الرساله، بیروت: ۱۴۱۳ ق.
۲۵. رضایی اصفهانی، محمدعلی، منطق تفسیر قرآن ۱: مبانی و قواعد تفسیر قرآن، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ع)، قم: ۱۳۸۷ ش.
۲۶. سلمی سمرقندی [عیاشی]، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، المکتبه العلمیه الاسلامیه، تهران: ۱۴۱۱ ق.
۲۷. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، الاتقان فی علوم القرآن، دار ابن کثیر، بیروت: ۱۴۰۷ ق.
۲۸. —، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم: ۱۴۰۴ ق.
۲۹. شریف رضی، نهج البلاغه، ترجمه: علی نقی فیض الاسلام اصفهانی، مؤسسه چاپ و نشر آثار فیض الاسلام، تهران: ۱۳۷۹ ش.
۳۰. شهرستانی شافعی، محمد بن عبدالکریم، مفاتیح الاسرار و مصابیح الأبرار، تحقیق: محمدعلی آذرشب، دفتر نشر میراث مکتوب، تهران: ۱۳۷۶ ش.
۳۱. شوشتری، سید نورالله، احقاق الحق و اذهاق الباطل، تصحیح: سید شهاب الدین مرعشی، مکتبه الاسلامیه، تهران: ۱۴۳۷ ق.
۳۲. صفار قمی، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، تصحیح: محسن کوچه باغی تبریزی، مکتبه آیه الله مرعشی نجفی، قم: ۱۴۰۴ ق.

۳۳. طباطبایی بروجردی، سید حسین، جامع احادیث الشیعة، المطبعة العلمية، قم: ۱۳۹۹ ق.
۳۴. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، الأعلمی، بیروت: ۱۳۹۰ ق.
۳۵. — شیعه در اسلام، بنیاد علمی فرهنگی علامه طباطبایی، قم: ۱۳۶۰ ش.
۳۶. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن و الفرقان، اسوه، تهران: ۱۴۲۶ ق.
۳۷. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، دارالمعرفه، بیروت: ۱۳۹۳ ق.
۳۸. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتب الاعلام الاسلامی، قم: ۱۴۰۹ ق.
۳۹. عبدالله زاده، علی؛ ایزدی، مهدی، «ظرفیت های مغفول احادیث اهل بیت علیهم السلام در تفسیر قرآن کریم»، تفسیر و زبان قرآن، شماره شانزدهم، ۱۳۹۹.
۴۰. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، نورالثقلین، تصحیح: سید هاشم رسولی محلاتی، مؤسسه اسماعیلیان، قم: ۱۴۱۲ ق.
۴۱. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، داراحیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۲۰ ق.
۴۲. فیض کاشانی، محمد محسن بن مرتضی، الصافی فی تفسیر القرآن، تحقیق: حسین اعلمی، انتشارات الصدر، تهران: ۱۴۱۵ ق.
۴۳. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران: ۱۳۶۴ ش.
۴۴. قشیری نیشابوری، مسلم بن حجّاج، الجامع الصحیح، تحقیق: محمود فؤاد عبدالباقی، دارالحدیث، قاهره: ۱۴۱۲ ق.
۴۵. کلینی رازی، محمد بن یعقوب، اصول الکافی، تحقیق: علی اکبر غفّاری، دارالکتب - الاسلامیه، تهران: ۱۳۸۸ ق.
۴۶. متقی هندی، علاء الدین علی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، مؤسسه الرساله، بیروت: ۱۴۰۹ ق.
۴۷. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الأطهار علیهم السلام، مؤسسه الوفاء، بیروت: ۱۴۰۳ ق.
۴۸. مطهری، مرتضی، سیره نبوی، صدرا، تهران: ۱۳۶۱ ش.



۴۹. معرفت، محمدهادی، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، الجامعه الرضویه، مشهد: ۱۴۱۸ ق.
۵۰. مفید، محمد بن نعمان، الإرشاد، دارالکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۷۷ ق.
۵۱. مناوی قاهری، زین الدین محمد، اتحاف السائل بما لفاظمة من الفضائل، تحقیق: عبداللطیف عاشور، مکتبه القرآن للطبع و النشر و التوزیع، قاهره: بی تا.
۵۲. میبدی، ابوالفضل رشیدالدین، کشف الأسرار و عدة الأبرار، به اهتمام: علی اصغر حکمت، انتشارات امیرکبیر، تهران: ۱۳۷۱ ش.
۵۳. نصر، سید حسین نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ویراستاران: جانردگلی، ماریا دکاکه و جوزف لومبارد، کمک ویراستار: محمدزستّم، ترجمه و تحقیق: انشاءالله رحمتی، ویراسته: مصطفی ملکیان، سوفیا، تهران: چاپ دوم، ۱۳۹۹.
۵۴. نصیری، علی، آشنایی با علوم حدیث، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، قم: ۱۳۸۲ ش.
۵۵. نوبری، علیرضا، «روش شناسی مستشرقان در تفسیر قرآن و بررسی سنت»، قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره ۸، ۱۳۸۰.
۵۶. هرماس، عبدالرزاق بن اسماعیل، «دانش تفسیر در نگاشته های مستشرقان»، ترجمه: علی راد، آینه پژوهش، شماره ۱۰۴، خرداد و تیر ۱۳۸۶



Resources

۱. The Holy Quran, Translated by Nasser Makarem Shirazi, Center for History and Islamic Studies, Tehran: ۲۰۰۱.
۲. Nahj al-Balaghah [The Peak of Eloquence], Translated by Ali al-Naqi Faiz al-Islam Esfahani, Institute for Publishing Faiz al-Islam's Works, Tehran: ۲۰۰۰.
۳. Abdullahzadeh, Ali & Izadi, Mahdi, The Neglected Capacities of Ahl al-Bayt's (A.S) Narrations in the Interpretation of the Holy Quran, Journal of Quranic Interpretation and Linguistics, No. ۱۶, ۲۰۱۶, pp. ۱۲۹-۱۵۸.
۴. Alusi Baghdadi, Seyyed Mahmoud, Roh al-Ma'ani fi Tafsir al-Quran al-Azeem [The Spirit of Meanings in the Interpretation of the Gracious Qur'an], Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: ۱۴۱۵ AH.
۵. Arjini, Hossein, Reflections on the Life and Thoughts of Seyyed Hossein Nasr, Ma'refat, No. ۱۳۱, ۲۰۰۸, pp. ۱۴۵-۱۵۹.
۶. Aroussi Howayzi, Abd Ali bin Juma'h, Noor al- Thaqaalayn [The Light of Two Gracious Things of Quran and Ahl al-Bayt], Edited by Seyyed Hashim Rasooli Mahallati, Muassasah Ismailian, Qom: ۱۴۱۲ AH.
۷. Ayazi, Seyyed Muhammad Ali, Interpreters; Their Life and Methodology, Ministry of Culture and Islamic Guidance, Tehran: ۱۹۹۴.
۸. Ayazi, Seyyed Muhammad Ali, The Position of the Ahl al-Bayt in the Interpretation of the Quran, Bayyinah, No. ۳۷ - ۳۸, ۲۰۰۳, pp. ۳۴۸-۳۱۹.
۹. Bankipour, Amir Hossein, Khoshbakht, Narges, An Analysis of the Percentage of Utilization of Quranic Interpretations from Ahl al-Bayt's Narrations, Quran and Hadith Researches Magazine, Volume ۵۰, Number ۲, ۲۰۱۷, pp. ۱۶۳-۱۸۳.
۱۰. Barqi, Ahmad bin Muhammad bin Khalid, Al-Mahasin [The Beauties], Dar al-Kutub al-Islamiyah, Qom: ۲nd Edition, ۱۹۹۲.
۱۱. Dimashqi [Ibn Kathir], Ismail bin Umar, Tafsir al-Quran al-Azeem [The Exegesis of Gracious Quran], Dar al-Fikr, Beirut: ۱۴۰۰ AH.
۱۲. Fakhr al-Razi, Muhammad bin Umar, Al-Tafsir al-Kabir aw Mafatih al-Ghayb [The Exegesis of the Keys of Hidden World], Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: ۱۴۲۰ AH.



۱۳. Fayz Kashani, Muhammad Muhsin bin Murtaza, Al-Safi fi Tafsir al-Quran [A Clearing Exegesis of Quran], Researched by Hossein A'lami, Al-Sadr Publications, Tehran: ۱۴۱۵ AH.
۱۴. Hakim Neyshabouri, Muhammad bin Abdullah, Mustadrak al al-Sahihein [The Sources of Two Authentic Book of Narrations], Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: ۱۴۱۱ AH.
۱۵. Haskani, Obaidullah bin Abdullah, Shawahid al-Tanzil li Qawaid al-Tafzil [The Evidences of the Revelation for the Rules of Preference], Researched by Muhammad Baqir Mahmoudi, Printing and Publishing Organization of the Ministry of Islamic Guidance, Tehran: ۱۴۱۱ AH.
۱۶. Hermas, Abd al-Razzaq bin Ismail, The Science of Interpretation in the Writings of Orientalists, Translated by Ali Rad, Ayeneh Pajohish, No. ۱۰۴, June - July ۲۰۰۷, pp. ۲-۲۰.
۱۷. Hurr Amili, Muhammad bin Hassan, Tafsil Wasa'il al-Shiah ila Tahsil Masail al-Shariah [The Detail of Shiite Sourcess Acquiring the Shar'i Precepts], Muassasah Alul Bayt (A.S), Qom: ۱۴۰۹ AH.
۱۸. Ibn Abi Hatim Razi, Abdul Rahman bin Muhammad, Tafsir al-Quran al-Azeem [The Exegesis of Gracious Quran], Maktabah Nizar al-Mustafa al-Baz, Mecca: ۱۴۱۹ AH
۱۹. Ibn Hajar Haytami Makki, Ahmad bin Muhammad, Al-Sawa'iq al-Muhriqah fi al-Radd ala Ahl al-Bid'h 'wa al-Zandaqah [The Burning Swords in Rejecting Bid'a and Zindiq Groups], Researched by Abdul Wahhab Abdul Latif, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: ۱۴۱۴ AH.
۲۰. Ibn Hanbal Sheibani, Ahmad bin Muhammad, Al-Musnad, Researched by Abdullah Muhammad Darwish, Beirut: Dar al-Fikr, ۱۴۱۴ AH.
۲۱. Ibn Sa'd, Muhammad, Al-Tabaqat al-Kubra [The Major Classes], Dar al-Sadr, Beirut: n.d.
۲۲. Ibn Tawus, Seyyed Razi al-Din, Al-Luhuf ala Qatla l-Tufuf [The Sighs of Sorrow Concerning the Martyrs of the Land of Taff (Karbala)], Jahan, Tehran: ۱۹۶۹.
۲۳. Javadi Amoli, Abdullah, Tasmin; The Exegesis of Holy Quran, Qom: ۱۹۹۹.

۲۴. Javadi Amoli, The Quran in Nahj al-Balaghah [Peak of Eloquence], Jurisprudential Studies, ۱st Year, Summer and Fall ۲۰۰۵, pp. ۵-۲۸.
۲۵. Khoei, Seyyed Abul Qasim, Muhazarat fi Usul al-Fiqh [Lectures on the Principles of Jurisprudence], Muassasah al-Nashr al-Islami, Qom: ۱۴۱۹ AH.
۲۶. Kulayni Razi, Muhammad Ibn Ya'qub, Usul al-Kafi, Researched by Ali Akbar Ghaffari, Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: ۱۳۸۸ AH.
۲۷. Majlisi, Muhammad Baqir, Bihar al-Anwar al-Jami'ah li Durar Akhbar al-Aimah al-Athar [Oceans of Lights Comprising the Pearls of Narrations from Holy Imams (AS)], Muassasah al-Wafa, Beirut: ۱۴۰۳ AH.
۲۸. Ma'refat, Muhammad Hadi, Al-Tafsir wa al-Mufassiron fi Thawbih al-Jadid [The New Version of "Exegesis and Commentators"], Al-Razawiyah University, Mashhad: ۱۴۱۸ AH.
۲۹. Meybodi, Abolfazl Rashid-ud-Din, Kashf al-Asrar wa Iddah al-Abrar [The Discovery of Secrets and A Number of Pious], Rendered by by Ali Asghar Hekmat, Amirkabir Publications, Tehran: ۱۹۹۲.
۳۰. Motahhari, Morteza, Sirah Nabavi [The Conduct of the Holy Prophet], Sadra, Tehran: ۱۹۸۲.
۳۱. Mufid, Muhammad bun Nu'man, Al-Irshad [The Guidance], Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: ۱۳۷۷ AH.
۳۲. Munawi Qahiri, Zayn al-Din Muhammad, Ithaf al-Sa'il bima li Fatimah min al-Fazail [A Gracious Presentation for the Inquirer concerning the Virtues of Fatima], Researched by Abdul Latif Ashour, Maktabah al-Quran for Printing, Publishing and Distribution, Cairo: n.d.
۳۳. Muttaqi Hindi, Alauddin Ali, Kanz al-Ummal fi Sunan al-Aqwal wa al-Afa'al [The Treasures of the Doers of Good Speaks and Deeds], Muassasah al-Risalah, Beirut: ۱۴۰۹ AH.
۳۴. Nasiri, Ali, An Introduction to Hadith Sciences, Qom Seminary Management Center, Qom: ۲۰۰۳.
۳۵. Nasr, Seyyed Hossein Nasr, The Contemporary Interpretation of the Holy Quran = [The Study Quran], Edited by Caner Dagli, Maria Massi Dakake & Joseph Lombard, Assistant Editor: Mohammed Rustom,



- Translated and Researched [in Persian] by Insha Allah Rahmati, Edited by Mustafa Malakian, Sofia, Tehran: ۲nd Edition, ۲۰۲۰.
۳۶. Noweiri, Alireza, Orientalists' Methodology in the Interpretation of the Quran and the Study of Tradition, Orientalists' Quran Researches Magazine, No. ۸, ۲۰۰۱, pp. ۱۳-۲۸.
۳۷. Ostadi, Reza, Ahl al-Bayt of Prophecy in the Tafsir of Tabari, Kayhan Andisheh, No. ۲۵, ۱۹۸۹, pp. ۸۵-۹۹.
۳۸. Qurtubi Ansari, Muhammad bin Ahmad, Al-Jame' fir Tafsir al-Qur'an [A Comprehensive Exegesis of Quran], Naser Khosrow Publications, Tehran: ۱۹۸۵.
۳۹. Qushayri Neyshabouri, Muslim Ibn Hajjaj, Al-Jame' al-Sahih, Researched by Mahmoud Fouad Abdul Baqi, Dar al-Hadith, Cairo: ۱۴۱۲ AH.
۴۰. Rezaei Esfahani, Mantiq Tafsir Quran ۱ (Mabai wa Qawaid Tafsir Quran) [Logic of Quranic Interpretation ۱ (Principles and Rules of Quranic Interpretation)], Al-Mustafa (P) International Center for Translation and Publication, ۲۰۰۸.
۴۱. Saffar Qomi, Muhammad bin Hassan, Basair al-Darajat fi Fazail Ale Mohammad [The Cognition of the Positions of Holy Prophet's (A.S) Family's Virtues], Edited by Muhsi Kuchebaghi Tabrizi, Ayatullah Mara'shi Najafi Library, Qom: ۱۴۰۴ AH.
۴۲. Shahrastani, Shafe'i, Muhammad bin Abdulkarim, Mafatih al-Asrar a Masabih al-Abrar [The Keys to the Mysteries and the Lights of the Nobles], Researched by Muhammad Ali Azarshab, Daftar Nashr Mirath Maktub, Tehran: ۱۹۹۷.
۴۳. Sheikh Saduq, Muhammad ibn Ali ibn Babawayh, Al-Itiqadat fi Din al-Imamiyyah [Beliefs of Imamiyyah Sect], Dar al-Mufid, Beirut: ۱۴۱۴ AH.
۴۴. Sheikh Saduq, Muhammad ibn Ali ibn Babawayh, Al-Khisal [A Numeric Classification of Traditions on Characteristics], Muassasah al-Nashr al-Islami, Qom: ۱۴۰۳ AH.

٤٥. Shoushtari, Seyyed Noorullah, Ihqaq al-Haqq and Izhaq al-Batil [The Clarification of Right and Elimination of Incorrect], Edited by Seyyed Shahab al-Din Mara'shi, Maktabah al-Islamiyyah, Tehran: ١٤٣٧ AH.
٤٦. Sullami Samarqandi [Ayyashi], Muhammad bin Mass'ud, Tafsir [The Exegesis of] al-Ayyashi, Researched by Seyyed Hashim Rasooli Mahallati, al-Maktabah al-Ilmiyyah al-Islamiyyah, Tehran: ١٤١١ AH.
٤٧. Suyuti, Jalaluddin Abdul Rahman, Al-Durr al-Manthur fi Tafsir al-Ma'thur [The Scattered Pearls in the Exegesis of Holy Book], Qom, Ayatullah Mara'shi Najafi Library, Qom: ١٤٠٤ AH.
٤٨. Suyuti, Jalaluddin Abdul Rahman, Al-Itqan fi Uloom al-Quran [A Strengthen in Quranic Sciences], Dar Ibn Kathir, Beirut: ١٤٠٧ AH.
٤٩. Tabari, Abu Ja'far Muhammad ibn Jarir, Jame' al-Bayan an Ta'wil Ayat al-Quran [A Comprehensive Expression and Hermeneutic of Quranic Verses], Dar al-Ma'rifah, Beirut: ١٣٩٣ AH.
٥٠. Tabarsi, Fadl bin Hassan, Tafsir Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran wa al-Furqan [The Confluence of Expressions Concerning the Interpretation of Quran], Uswa, Tehran: ١٤٢٦ AH.
٥١. Tabatabai Boroujerdi, Seyyed Hossein, Jame;' Ahadith al-Shiah [A Comprehensive Collection of Shiite Hadiths], Al-Matba'h al-Ilmiyyah, Qom: ١٣٩٩ AH.
٥٢. Tabatabai, Muhammad Hossein, Shia in Islam, Allamah Tabatabai Scientific and Cultural Foundation, Qom: ١٩٨١.
٥٣. Tabatabai, Seyyed Muhammad Hossein, Al-Mizan fi Tafsir al-Quran, Al-A'lami, Beirut: ١٣٩٠ AH.
٥٤. Tirmidhi, Muhammad ibn Isa, Al-Jame' al-Sahih Sunan Tirmidhi, Dar al-Ma'rifah, Beirut: ١٤٢٣ AH.
٥٥. Tusi, Abu Ja'far Muhammad ibn Hassan, Al-Tibyan fi Tafsir al-Quran [A Clarification Concerning the Interpretation of Quran], Maktab al-A'lam al-Islami, Qom: ١٤٠٩ AH.
٥٦. Zahabi, Shamsuddin Abu Abdullah Muhammad bin Ahmad, Siyar A'lam al-Nubala [The Conducts of Nobles], Researched by Shoalb al-Arnaout, Muassasah al-Risalah, Beirut: ١٤١٣ AH.